

Methodological explanation of realist interview

Hamid Dehghanian (Hawzhe & Univercity, hdehghanian@rihu.ac.ir)

Ali Salimi (Hawzhe & Univercity, ali_salimi@rihu.ac.ir)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2020/8/21

Accepted: 2020/10/4

Key Words:

Evaluation,
Conceptual Focusing,
Mechanistic Explanation,
Realistic Interview,
Retroduction,

ABSTRACT

Retroduction research strategy based on realistic philosophy is one of the four research strategies in the social sciences, which despite the necessary philosophical and methodological foundations, due to the complexity of the mechanism explanation and the lack of appropriate research tools, has put researchers in this field in serious trouble. Realistic (theory driven) interviewing is an emerging tool that has tried to compensate for existing shortcomings. Lack of sufficient methodological literature for conducting such a type of interview, especially in the scientific community of the country, motivated the researcher, in addition to explaining the theoretical foundations and enumerating the distinctive aspects of its components compared to common interviews in both quantitative and qualitative traditions, to describe its implementation methods as well. Findings reveal that the distinctive identity of the realistic interview due to the researcher's theory assignment as the subject of negotiation in the interview, embedding teaching-learning and conceptual focus functions, the dynamic and expert-centered role of the researcher in conducting the interview and different criteria in compiling, analyzing and validating the findings, takes the function of this interview beyond the typical level of regulation or mere interpretation of data.

تبیین روش‌شناختی از مصاحبه رئالیستی

حمید دهقانیان (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول): hdehghanian@rihu.ac.ir)

علی سلیمی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ali_salimi@rihu.ac.ir)

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۳

چکیده

استراتژی تحقیق پس‌کاوی مبتنی بر فلسفه رئالیستی، یکی از چهار راهبرد پژوهشی در علوم اجتماعی است که با وجود مبانی فلسفی و روش‌شناختی لازم، به جهت پیچیدگی تبیین مکانیسمی و کمبود ابزار مناسب تحقیق، پژوهشگران این عرصه را با تنگناهای جدی مواجه کرده است. مصاحبه رئالیستی (تئوری محور) ابزار نوظهوری است که سعی نموده کمبودهای موجود در این زمینه را جبران نماید. نبود ادبیات روشی مکفی برای انجام این نوع مصاحبه، به خصوص در جامعه علمی کشور، انگیزه‌ای شد تا این مقاله، علاوه بر تبیین مبانی نظری و برشمردن وجوه متمایز مؤلفه‌های این مصاحبه نسبت به مصاحبه‌های رایج در دو سنت کمی و کیفی، شیوه‌های اجرایی آن را نیز توصیف نماید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هویت متمایز مصاحبه رئالیستی به واسطه قرار گرفتن تئوری محقق به‌عنوان موضوع گفتگو در مصاحبه، تعیین عملکردهای آموزش-یادگیری و تمرکز مفهومی، نقش پویا و تخصص‌محور محقق در هدایت مصاحبه و معیارهای متفاوت در مراحل گردآوری، تحلیل و اعتباربخشی به یافته‌ها، کارکرد این مصاحبه را از سطح رایج تنظیم یا تفسیر صرف داده‌ها، فراتر می‌برد.

واژگان کلیدی:

ارزیابی،
آموزش-یادگیری،
پس‌کاوی،
تمرکز مفهومی،
تبیین مکانیسمی،
مصاحبه رئالیستی

مقدمه

پیش‌فرض معرفت‌شناختی فلسفه رئالیستی تبیین بر مبنای مکانیسم علی^۱ شکل‌گیری پدیده یا رویداد اجتماعی است که با اتخاذ درک مکانیسمی از علیت، بر تبیین پدیده‌ها از طریق ارجاع آنها به مکانیسم‌های علی آن تأکید فزاینده‌ای دارد (طالبان، ۱۳۸۸، ص ۶۶-۶۷). امروزه این نوع تبیین جایگاه مهمی در فلسفه اجتماعی داشته و برخی از فیلسوفان علم آن را رکن اصلی هر تبیین علمی قلمداد می‌کنند (لیتل، ۱۳۷۳، ص ۲۲). نکته حائز اهمیت در این نوع تبیین علی این است که نباید آن را با انواع رایج‌تر تبیین اشتباه گرفت (برایا مثال تبیین به واسطه نشان دادن اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یا با مطالعه اثر متغیرهای واسطه یا اثر متقابل زنجیره‌ای چنین متغیرهایی)، از این رو نمی‌توان آن را به آسانی در هیچ یک از سه استراتژی پژوهشی (استقرایی،^۲ قیاسی،^۳ استقهامی)^۴ جای داد (بلیکی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶؛ محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۱۳۶). این‌گونه تبیین‌ها فعالیت غالب در استراتژی پژوهشی پس‌کاوی^۵ است (بلیکی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۶). پیشرفت مهمی که در کاربرد راهبرد پژوهش پس‌کاوی در علوم اجتماعی به وجود آمده است به کار پائوسون و تیلی و ارائه آثار تأثیرگذار آنها در زمینه «ارزیابی رئالیستی»^۶ برمی‌گردد که با اتخاذ منطق تبیینی فلسفه رئالیستی در پی ایجاد پایه روش‌شناختی جایگزین برای

توسعه دانش علوم اجتماعی و در نقد سنجش تجربی و تبیین علمی به‌ویژه در تقابل با افراط‌های دو مکتب پوزیتیویستی و سازه‌گرایی رادیکال بوده است. با وجود اینکه الگوهای تبیینی پس‌کاوی از تئوری‌های بزرگان جامعه‌شناسی در کارهای اولیه پائوسون و تیلی به چشم می‌خورد، باید دانست که امروزه دامنه آثار منتشر شده از این ارزیابی‌ها، عمدتاً در برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی به‌ویژه در عرصه جرم‌شناسی و سلامت توسعه یافته است. در واقع آنها در این آثار کوشیده‌اند که درک رئالیستی از ماهیت دانش، نظریه، منطق تبیین و واقعیت دنیای اجتماعی را از حوزه مبانی نظری و فضای آکادمیک خارج نموده و به‌عنوان روشی تجربی برای ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی معرفی نمایند (Astbury, 2011, p.7-24)، (چلبی، ۱۳۷۴، ص ۴۹-۵۳). نکته‌ای که نباید از آن در این رویکرد ارزیابی غفلت ورزید، وجود مبنای تئوریک برنامه‌های مورد ارزیابی است، به عبارتی پیش‌فرض اصلی این است که برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی ذاتاً تئوریک هستند، بر این اساس، ارزیابی برنامه‌ها/سیاست‌ها در اصل فرضیاتی را در مورد چگونگی تغییر، استدلال و رفتار شرکت‌کنندگان، منابع و فعالیت‌ها درون برنامه/سیاست را مورد بررسی و آزمون قرار می‌دهند (Manzano, 2016, p. 11)؛ (Astbury, 2011, p.16)

(Pawson and Tilly, 1997, Westhorp, 2014; Wong et al., 2016)

فقدان ابزار مناسب در ارزیابی رئالیستی

دشواری تبیین مکانیسمی به واسطه پیچیدگی آن و نحوه ارزیابی چنین تئوری‌ها و الگوهایی که از سوی محققین برای تبیین مکانیسمی از پدیده‌های اجتماعی ارائه می‌شود، از جمله دغدغه‌های جدی در بین اندیشمندان پژوهشگران اجتماعی این عرصه بوده است. علی‌رغم رویکردهای متنوع ارزیابی (به‌عنوان مثال هنری و همکاران، ۱۹۹۸) و تحقیقات کیفی (به‌عنوان مثال هامرسل، ۱۹۹۲، ۲۰۰۸؛ ماکسول، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳)، (Smith and Elger, 2012, p.3)، نبود گزارش معتبر از ابزار مناسب و الگوی روشن و اجرایی، تکنیک‌های طرح سؤال و تحلیل داده و... در ارزیابی رئالیستی مشکلات اجرایی این

1. Casual Mechanism

درک مکانیسمی از علیت ادبیات گسترده‌ای دارد، در مطالعه طالبان (۱۳۸۸) بیش از ۲۷ تعریف از مکانیسم ارائه شده است، لکن تعریفی که در این مقاله از مکانیسم علی مدنظر است، بر تعریف باسکار از مکانیسم علی اتکا دارد. از دیدگاه رئالیستی باسکار، علیت ناظر بین حوادث انضمامی (علت و نتیجه) نیست، بلکه به نیروهای علی یا قابلیت‌های موضوعات یا روابط، یا به شکلی کلی‌تر به شیوه‌های عمل یا (سازوکارهای [مکانیسم‌های] آنها مربوط می‌شود. این سازوکارهای خاص، لزوماً عطف به ماهیت موضوعات وجود دارند... و اگر ماهیت یک موضوع تغییر کند، نیروهای علی آن نیز طبعاً تغییر خواهند کرد. درک مکانیسمی از علیت یک درک فرایندی است که به موجب آن حوادث به واسطه مفروض پنداشتن (و شناسایی) سازوکارهایی که قادر به ایجاد آنها هستند، تبیین می‌شوند. به بیانی دیگر برای شناخت یک رابطه علی آنچه ضروری است بیان روایتی از مکانیسم‌های مؤلد است که پیوند علت و معلول را شکل می‌دهد. بنابراین تبیین بر مبنای مکانیسم علی در رویکرد واقع‌گرا، به شرح این پیوند و نحوه چگونگی شکل‌گیری آن می‌پردازد (سایر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰-۱۲۴).

2. Inductive
3. Deductive
4. Abductive
5. Retruductive
6. Relalistic Evaluation

پیشبرد تفکر روش‌شناختی و شروع هرگونه تلاش برای درک سنتز روش‌های کمی و کیفی که توسط فلسفه رئالیستی برای انجام تحقیقات ارزیابی مطرح شده است، مستلزم توجه به پتانسیل این مکتب به خصوص تعهد آن به «عمق هستی‌شناختی» واقعیت اجتماعی» در تحقیقات اجتماعی است؛ بدین معنا که وقایع اجتماعی در نگاه هستی‌شناختی، بین لایه‌های مختلف واقعیت اجتماعی در هم‌تنیده شده است و تبیین اجتماعی مهم‌ترین وظیفه‌اش گزارش‌الگوهای مابین وقایع اجتماعی و خصوصیات زمینه، مکانیسم، نتایج آن و همچنین چگونگی تعامل بین عاملیت و ساختار در شکل‌گیری این وقایع است (Pawson, 1996, 299-301).

لذا در گام نخست به شرح مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی این نوع ارزیابی می‌پردازیم تا از این منظر ضمن برشمردن تمایزات این رویکرد با سایر رویکردهای تحقیق، آشخورهای نظری بایسته‌های روشی این نوع مصاحبه وضوح بیشتری پیدا نماید. از حیث هستی‌شناسی این مکتب، هرچند که پیشفرض روش پوزیتیویستی را در متعلق دانش رد می‌نماید (لزوم مشاهده‌پذیری برای مطالعه مکانیزم‌ها)، اما مشابه پوزیتیویست‌ها به واقعیت (ساختارها و مکانیسم‌های) خارجی مستقل، معتقد است. همچنین، هر چند با پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی تفسیرگرها مخالفت جدی دارند، لکن، روش تفسیرگرایی را در کشف زمینه‌ها و مکانیسم علی مفید می‌دانند (Cruickshank, 2012: 212)، (McEvoy and Richards, 2006). در واقع، رئالیسم انتقادی به مثابه یک جایگزین علمی برای دورویکرد پوزیتیویستی و تفسیرگرایی است که سعی داشته ترسیمی از عناصر این دو رویکرد را در هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خود داشته باشد (Fletcher, 2017)؛ از این‌رو در این رئالیسم، ساختار و عاملیت به صورت توأمان دارای جایگاه تبیینی است (Sobh and Perry, 2006)، (Baskar, 1975)؛ واقعیت در این نوع هستی‌شناسی لایه‌بندی شده و از سه قلمرو اصلی تجربی،^۷ بالفعل^۸ و واقعی^۹ تشکیل شده است (شکل شماره ۱). قلمرو تجربی شامل کنش‌ها و تجربیات و ادراکات انسانی

نوع ارزیابی را مضاعف نموده است (Manzano, 2016, p 3-6). مصاحبه‌های رئالیستی^۱ (تئوری محور)^۲ پاسخی برای حل این مسئله بوده، که سعی دارد با مفهوم‌سازی پیوندهای ارتباطی بین سه‌گانه زمینه،^۳ مکانیسم مولد^۴ و پدیده‌های مورد نظر (نتایج)،^۵ تبیینی مکانیسمی از وجود یک پدیده ارائه دهد و وظیفه اساسی در تحقیق اجتماعی را به زعم پائسون دنبال نماید (Pawson and Tilly, 1997: 71). این مقاله با توجه به روند صعودی رشد مدارک علمی که با اتخاذ به این روش انتشار یافته‌اند.

و همچنین فقدان منابع فارسی جهت بهره‌برداری پژوهشگران علوم اجتماعی که تمایل دارند در این زمینه ارزیابی فعالیت نمایند، سعی نموده که با مرور معتبرترین مدارک و انتشارات موجود در این زمینه، ضمن برشمردن تمایزات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی این نوع مصاحبه، در این سطح از معرفی متوقف نمانده و کاربرد تجربی و شرح تکنیکال آن را به مباحث نظری خود راجع به این نوع از مصاحبه منضم نماید.

هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی ارزیابی رئالیستی



شکل ۱. مواضع هستی‌شناختی فلسفه رئالیستی

(Mukumbang et al, 2019, p. 5)

1. Realist Interview
2. Theory Driven Interview

انتخاب معادل فارسی تئوری محور برای این نوع مقاله که در انجام تحقیقات ارزیابی و با هدف ساخت و بهبود مدل‌ها یا نظریه‌ها (Kazi and Spurling, 2000: 4). به کار گرفته می‌شود، جهت تأکید مضاعف بر تئوری پیشنهادی محقق به‌عنوان موضوع مورد گفتگو با مصاحبه‌شوندگان جهت بررسی، اصلاح و تلفیق و نقش محوری آن در هدایت و اجرای مراحل مصاحبه است.

3. Context
4. Generative Mechanism
5. Outcome

6. Ontological Depth
7. Emperical
8. Actual
9. Real

به تبع آن معرفت‌شناختی در سنت پوزیتیویسم از نگاه فلسفه رئالیست انتقادی نسبت داد این است که پوزیتیویست‌ها واقعیت را به امور قابل مشاهده تقلیل می‌دهند و صرفاً این امور را متعلق علم می‌دانند؛ در حالی که کشف و دستیابی به واقعیت مبتنی بر فلسفه رئالیست انتقادی، مستلزم گذر از سطح پدیده‌های تجربی و مشاهده‌پذیر به سطوح زیرین و مطالعه ساختارها و مکانیسم‌های به وجود آورنده این پدیده‌هاست (Bhaskar, 2008, p.14). از جمله مهم‌ترین نقدهای دیگر فلسفه رئالیست انتقادی به مکتب پوزیتیویستی، رد پیش‌فرض بسته بودن سیستم (ایزولاسیون) از نگاه آنهاست که بر مبنای آن، جهان از وقایع مجزا تشکیل شده است و دانش بشر از واقعیت، فقط در یک منطق روابط تعاقبی بین وقایع قابل دستیابی است. از نتایج بالتبع این پیش‌فرض (ضرورت و پیش‌بینی‌کنندگی علم پوزیتیویستی است که مورد چالش جدی اصحاب فلسفه رئالیست انتقادی قرار گرفته است (Bhaskar 1975, p.50-70).

استراتژی تحقیق پس‌کاوی و تبیین مکانیسمی

ارزیابی رئالیستی از جمله پیشرفت‌های مهمی است که توسط پائسون (۱۹۹۶) در اجرایی شدن استراتژی پس‌کاوی و جهت تبیین مکانیسمی از پدیده‌های اجتماعی به خصوص نتایج حاصل از برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی مطرح شده است. این استراتژی مبتنی بر منطق تحقیق مرتبط با رهیافت فلسفی رئالیست به خصوص رئالیست انتقادی باسکار و متعهد به هستی‌شناسی آن و با التفات به پیشرفت‌های متأخر در حوزه نظریات جامعه‌شناسی به خصوص بحث عاملیت-ساختار و ادغام عناصری از رئالیست ساخت‌گرا و برساخت‌گرا بنا شده است. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد؛ منطق تحقیق پس‌کاوی در پی تبیین یک الگوی تئوریک به وسیله یافتن مکانیسم علی موجد آن است. در این الگوی تئوریک، ارتباط بین دو مفهوم معمولاً در برگیرنده جهت تأثیر محسوب می‌شود و وجود یک مکانیسم علی، تبیین این تأثیر قلمداد می‌شود و لذا این تبیین مرکب از گزاره‌ها و قضایای درباره این است که چگونه فعل و انفعال متقابل ساختار و عاملیت قاعده‌یاد شده (توالی منظم ظهور پدیده) را شکل می‌دهد (بلیکی، ۱۳۹۶، ص ۴۳، ۱۰۶، ۱۴۴، ۱۵۰، ۱۶۶)، (Pawson and Tilly, 1997: 72).

که با استفاده از حواس قابل مشاهده هستند، قلمرو لایه بالفعل (حقیقی) نیز متشکل از رویدادهاست که ماحصل نیروهای علی است و ممکن است مشاهده‌پذیر باشند یا نباشند، و قلمرو واقعی که متشکل از ساختارها (قلمرو علی، مثلاً نظام بازار) و مکانیسم‌های (شیوه‌های کنش پدیده‌ها یا گرایش‌های علی) هستند که مشاهده‌پذیر نیستند و این رویدادها را ایجاد می‌کنند. (Sayer, 2000, p.12)؛ (Bhaskar, 1979, p.14, 16)؛ (Elder-Vass, 2010, p. 44) و (Bhaskar, 1986, p.63). هدف علم رئالیست در این تشکل، عبارت است از تبیین پدیده‌های قابل مشاهده با ارجاع به ساختارها و مکانیسم‌های زیربنایی (بلیکی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۴).

معرفت‌شناسی رئالیستی مشروط است بر ساختن مدل‌هایی از مکانیسم‌های مذکور به قسمی که اگر آنها موجود باشند و به طریق مورد انتظار عمل کنند، آنگاه قابلیت این را داشته که پدیده‌هایی مورد بررسی را تبیین نمایند. مدل‌ها توصیف‌هایی از فرضیه را به دست می‌دهند که امید می‌رود مکانیسم‌های زیربنایی را آشکار کنند. به عبارت دیگر این مکانیسم‌ها فقط با برساختن تصوراتی درباره آنها شناخته می‌شوند این معرفت‌شناسی ناظر بر قوانین به معنای گرایش‌های موجود در اشیاست که در تقابل با فرض پوزیتیویستی مبتنی بر روابط بین داده‌هاست. از این رو مدل الگوی تبیین پوزیتیویستی را رد می‌کند؛ یعنی تبیینی که می‌توان آن را با اثبات قواعد یا پیوندهای ثابت بین پدیده‌ها یا رویدادها به دست آورد. هم باسکار و همه هاره استدلال کرده‌اند که یافتن چنین قواعدی فقط آغاز فرایند تحقیق علمی است؛ پس از آن باید ساختار یا مکانیسمی را یافت که این الگو یا رابطه را ایجاد کرده است. این ساختارها و مکانیسم‌ها چیزی جز گرایش‌ها یا قدرت‌اشیا برای عمل به شیوه‌ای خاص نیستند. ظرفیت یک شی برای اعمال قدرتش یا احتمال چنین چیزی به مساعدت شرایط بستگی دارد (بلیکی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۴-۱۴۵).

با توجه به مطالب شرح داده شده با توجه به اشتراک هستی‌شناختی فلسفه رئالیست انتقادی با سنت پوزیتیویسم در وجود واقعیت مستقل خارجی و تقدم و جودی آن، جهت تنویر بیشتر خطوط تفاوت و تمایز این دو مکتب، باید اذعان داشت که مهم‌ترین نقدی که می‌توان به نگاه تقلیل‌گرایانه هستی‌شناختی و

هستی‌شناختی» است. همگام با آشکارسازی این لایه‌ها یا سطوح عمیق‌تر واقعیت، علم باید تبیین این فرایند را با منابع شناختی و ابزارهای در دسترس خود دوباره بیازماید؛ در این فرایند، تبیین پیوسته تغییر کرده، تعدیل یا پالایش می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۱۳۵-۱۳۷).

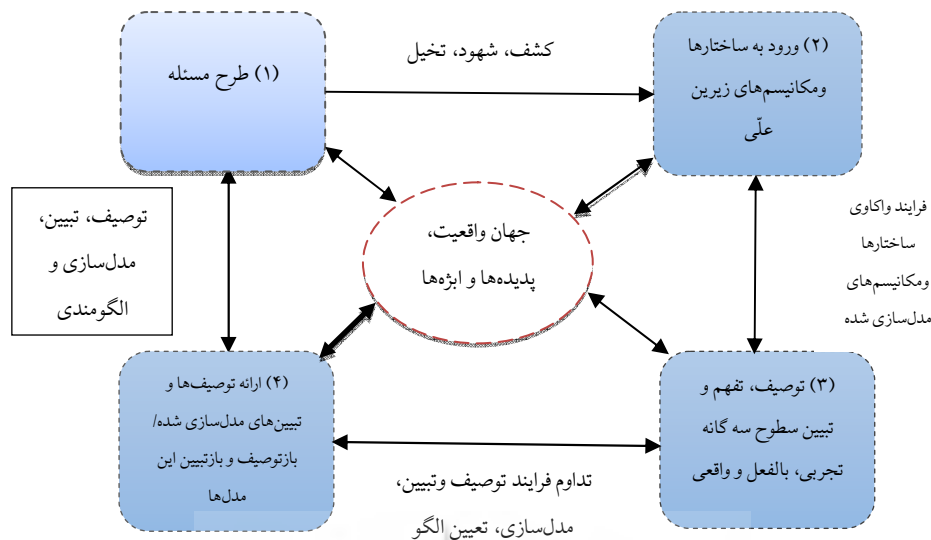
تفاوت دیدگاه نظری دو رویکرد ساخت‌گرا و برساخت‌گرا در راهبرد پس‌کاوی نیز قابل تأمل است. در شاخه ساخت‌گرایانه این استراتژی، می‌توان حوزه تجربی را به‌عنوان یک واقعیت «بیرونی» در نظر گرفت؛ در حالی که در شاخه برساخت‌گرا، واقعیت به‌طور اجتماعی برساخته می‌شود که در هر دو صورت واقعیت قابل مشاهده‌اند. در شاخه ساخت‌گرا، ساختارها و مکانیسم‌هایی که توالی منظم را ایجاد می‌کنند درون حوزه واقعی جای دارند. این ساختارها می‌توانند بر کنشگران اجتماعی اثر کنند و بخشی از واقعیت محسوب می‌شوند که نسبت به آنها «بیرونی» است. این در حالی است که در شاخه برساخت‌گرا مکانیسم‌های تبیینی دارای ماهیت شناختی هستند تا ساختار اجتماعی (بلیکی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۹). بنابر شرحی که رفت رئالیسم انتقادی با تأکید بر جستجوی مکانیسم‌های علی به‌عنوان متعلق دانش اجتماعی، به دنبال این است که نشان بدهد که پدیده‌های اجتماعی تحت تأثیر تعاملی مابین ساختارهای اجتماعی، مکانیسم‌ها و عاملیت انسانی به وجود می‌آیند، به عبارت دیگر تبیین و توضیح جهان اجتماعی، توسط مکانیسم‌های مولد آن صورت می‌پذیرد (McEvoy and Richards, 2006, Williams et al.,) (2017)، (Smith and Elger, 2012, p.3). به این معنا، دنیای اجتماعی واقعیت خارجی دارد و بر نحوه عمل ما نیروهایی را اعمال می‌کند، بدون اینکه این نحوه عمل کاملاً توسط آنها تعیین شود (Elder-Vass, 2010, p. 77-8).

پس‌کاوی از تخیل خلاق و تمثیل و تشبیه بهره می‌گیرد تا از داده‌ها به تبیینی که در پشت آنهاست، بازگردد. الگوی تئوریک می‌تواند به معنای یک چارچوب مفهومی یا مجموعه روابط فرضیه بین مفاهیم مکانیسم تبیینی فرضی یا روشی برای سازماندهی نتایج تحقیق باشد (بلیکی، ۱۳۹۶، ص ۴۳). به‌کارگیری منطق پس‌کاوی به محقق اجازه می‌دهد تا شرایط متناسب لازم را برای ایجاد یک مکانیسم علی خاص جهت تأثیر گذاشتن و منجر شدن به رویدادهای تجربی، مشاهده شود (Fletcher, 2017, p. 189).

درواقع پژوهش پس‌کاوی به دنبال یافتن شواهد و دلایلی است که پیامدها و نتایج وجود ساختار و مکانیسمی را نشان دهد که در صورت وجود آن، می‌توان انتظار داشت که رویدادهای معینی رخ دهد (بلیکی، ۱۳۹۶، ص ۴۳؛ محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۱۳۶). همان‌طور که در شکل شماره (۲) نشان داده می‌شود، راهبرد پس‌کاوی غیرخطی و بازگشتی است، اما برخی از عناصر استراتژی‌های استقرایی و قیاسی را نیز در خود دارد. در راهبرد پس‌کاوی محقق بعد از طرح مسئله (۱) از طریق ابزارهای کشف، شهود و تخیل نظری، وارد عرصه ساختارها و مکانیسم‌های زیرین علی (۲) می‌شود. باید در نظر داشت که در این راهبرد، مفهوم متغیر با مفهوم ساختارها و مکانیسم‌هایی جایگزین می‌شود که هم زیرین و هم علی هستند. ساختارها و مکانیسم‌های یادشده ممکن است مشاهده‌پذیر یا مشاهده‌ناپذیر باشند. به همین دلیل است که شهود و تخیل نظری [جهت ارائه الگو] ضرورت دارد. محقق پس‌کاوی در خلال واکاوی ساختارها و مکانیسم‌های پیشتر مدل‌سازی شده، به توصیف، تفهم و تبیین سه سطح تجربی، حقیقی [بالفعل] و واقعی (۳) پدیده مورد نظری پردازد. محقق از طریق مدل‌سازی و الگوسازی توصیف‌ها و تبیین‌های به دست آمده، مدل تبیینی و توصیفی خود را ارائه می‌دهد و مجدداً نسبت به بررسی آنها مبادرت می‌ورزد (۴) تا به مدل نهایی برسد.

راهبرد پس‌کاوی در هیچ مرحله‌ای رابطه خود با جهان واقعیت‌ها را قطع نکرده و همه مراحل این تحقیق ضمن اینکه با یکدیگر در ارتباط هستند، در جهان واقعیت‌ها نیز با همدیگر تلاقی می‌کنند. در این راهبرد واقعیت دارای «عمق

تمایزات اساسی در مصاحبه رئالیستی



شکل ۲: شیوه تحقیق بیس‌کاوی (محمدیور، ۱۳۹۸، ص ۱۳۵)

به جای کشف ایده افراد مصاحبه‌شونده، محوریت یافتن کشف، اصلاح و تلفیق تئوری محقق در فرایند گفتگو است. او با تشریح مشکلات رویکردهای روش‌شناختی، معتقد است که رویکرد خالص^۱ در ساخت قواعد روش‌شناختی بازسازی عقلانی است. این رویکرد سعی می‌کند به یکدستی و قوام منطقی کل دستگاه روش‌شناختی با برخی از اصول موضوعه اصلی معرفت‌شناختی/ هستی‌شناسی دست یابد که این امر تشدید مخالفت‌های موجود را به همراه داشته است. از سوی دیگر ضمن پذیرش سودمندی و معقول بودن استفاده از ترکیب روش‌های متنوع در عمل تحقیق واقعی به واسطه ایجاد درک جامع‌تری از نهاد مورد مطالعه، با انتقاد از رویکرد کثرت‌گرای روش‌شناختی که روش‌های کمی را برای ویژگی‌های ساختاری و نهادی و رویکردهای کیفی برای کشف معنای محتوا مناسب می‌داند؛^۲ بهره‌گیری تحقیقات از ظرفیت‌های هر دو روش را لازم و توصیه می‌کند (Pawson, 1996, p.295-296).

از نگاه پائسون انتخاب شیوه و سبک مصاحبه‌ها بر مبنای دوگانه‌هایی است که بر اصول معرفت‌شناختی پارادایم‌های کیفی

تفاوت موضوعی در تبیین علمی در راهبرد پژوهشی، بالتبع در نوع ابزار تحقیق و مؤلفه‌های آن نیز تفاوت‌هایی را به همراه دارد. با توجه به تفاوت موضوعی که مصاحبه رئالیستی با سایر مصاحبه‌های موجود دارد در این بخش با بررسی تحلیل نظری پائسون (۱۹۹۶) به‌عنوان تئوری پرداز مصاحبه رئالیستی راجع به انواع مصاحبه، به دنبال ارائه تمایزات مصاحبه رئالیستی از جمله محوریت نظریه محقق به‌عنوان موضوع مورد گفتگو در مصاحبه، نقش مؤثر و هدایت‌کننده نظریه محقق در فرایند مصاحبه، انتخاب مصاحبه‌شوندگان، موقعیت و تعداد آنها، نحوه گردآوری داده و معیار کفایت گردآوری، تعبیه دو عملکرد چرخه آموزش و یادگیری و تمرکز مفهومی و همچنین نقش کلیدی خبرگی محقق در اجرای آن و در نهایت قواعد کدگذاری و تحلیل مصاحبه می‌پردازیم.

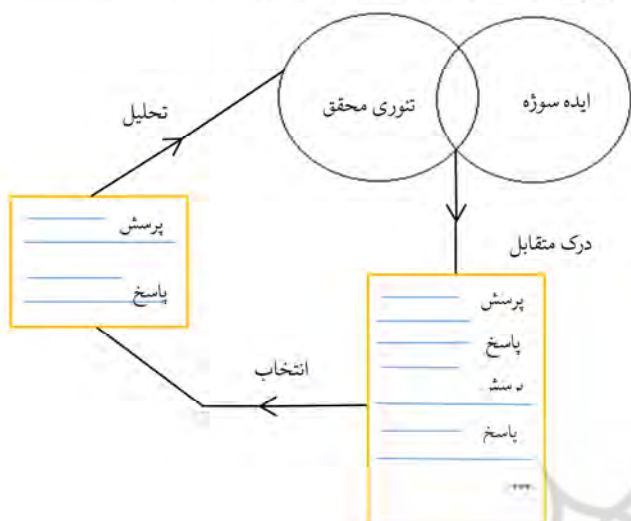
۱. تفاوت موضوعی

پائسون (۱۹۹۶) در مقاله خود با عنوان «نظریه‌پردازی مصاحبه» سعی داشته که با بحث و استدلال نظری پیرامون استراتژی، مواد و محور مصاحبه‌های جامعه‌شناختی، و با بر شمردن پیش‌فرض‌های نظری موجود در بین دو نوع مصاحبه ساختاری و بدون ساختار، به ارائه نوع خاصی از مصاحبه پردازد که موضوع مورد تحقیق آن

1. Pure approach

۲. (رویکرد یک بیت از آن رویکرد و یک بیت از این رویکرد که در واقع هیچ تفکر جدید و اصلاح روش‌شناختی فراتر از سازش صورت گرفته پیشنهادی در منطق فازی، ایجاد نمی‌کند).

و کمی حاکم بوده و هدف آنها پیشبرد داده‌های به دست آمده به منظور الهام بخشیدن^۱ اعتبارسنجی^۲ جعل کردن^۳ اصلاح^۴ تبیین‌های جامعه‌شناختی است؛ به‌عنوان مثال کمیت و شمارش، تعمیم، خنثی بودن محقق، در سنت کمی در مقابل کیفیت و عمق شناختی موضوع، حساسیت محقق و... در سنت کیفی. پائوسون جهت بهره‌برداری از ظرفیت‌های این دو روش رایج در مصاحبه، سعی داشته است که با اخذ و گنجانیدن اصول دو رویکرد معاصر جامعه‌شناختی (تبیین رئالیستی و نظریه ساختارگرایی از هستی اجتماعی)، پیشنهاد خود را مبنی بر ساخت مصاحبه تئوری‌محور از حیث نظری مستدل سازد (Pawson, 1996, p.295).

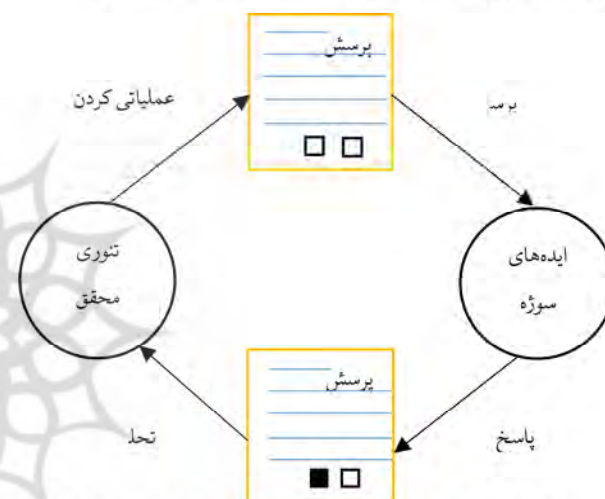


شکل ۴: فرایند جریان شکل‌گیری اطلاعات در مصاحبه ساختارنیافته (Pawson, 1996, p.298).

برعکس در مصاحبه ساختار نیافته (شکل شماره ۴)، اطلاعات ارائه شده به چارچوب مرجع پاسخ‌دهنده وفادار است و سیستم مفهومی محقق بر جریان اطلاعات تحمیل نمی‌شود و برای پاسخگو محدودیت چندانی در ارائه پاسخ وجود ندارد. مصاحبه‌کننده هدایت حداقلی را در جریان مصاحبه داراست. اطلاعات جمع‌آوری شده توسط محقق در چنین شرایطی متنوع و گفتمانی است و بنابراین مقایسه پاسخ‌های افراد مختلف سخت و دشوار است.

از جمله انتقاداتی که بر این روش از مصاحبه وارد است، دخالت تفسیر پژوهشگر در نتیجه قرار دادن بخش‌های کوچکی از گفته‌های مخاطب در چارچوب تفسیری دلخواه خود است که نظریه محقق شده را در موضوع تحقیق غیرقابل شناسایی می‌کند (Pawson, 1996, p.299). اشکال دیگری که در اتخاذ رویکرد مبتنی بر جمع‌آوری داده در مصاحبه‌های معمول (ساختار یافته و یا ساختار نیافته) که استفاده از آنها را برای ارزیابی مدل‌ها دچار مشکل می‌کند این است که در طی فرایند مصاحبه، محققان ممکن است نتوانند به پاسخ‌دهندگان این فرصت را بدهند که در مورد نظریه‌ها یا

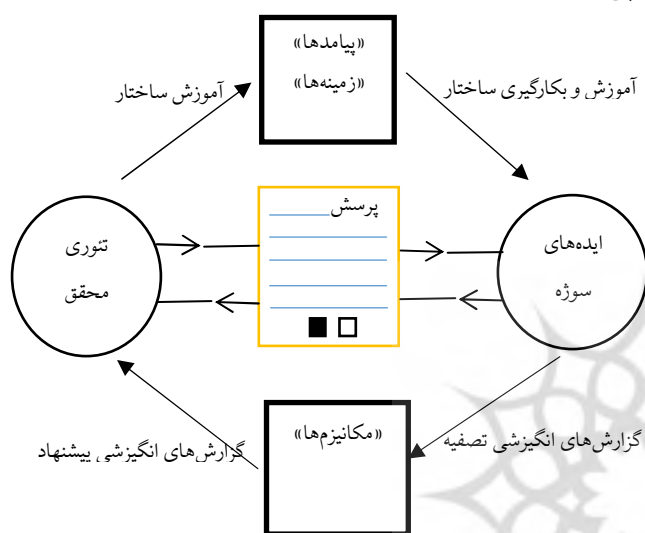
تحلیل صورت گرفته از شکل‌گیری جریان اطلاعات در دو نوع رایج مصاحبه از این قرار است که در مصاحبه ساختار یافته (شکل شماره ۳)، با این استدلال که امکان مقایسه مناسب در زمینه دیدگاه‌های بالقوه پاسخگویان وجود داشته باشد از یک پرسشنامه بسته با پاسخ‌های از پیش تعیین شده استفاده می‌کنند (Pawson, 1996, p.297-299). پوزیتیویست‌ها عموماً استدلال کرده‌اند که روند گفتگوی مصاحبه باید با استفاده از یک ساختار یکسان و سؤالات استاندارد شده توسط مصاحبه‌کنندگان بی‌طرف به‌طور جدی کنترل شود؛ زیرا این تنها راهی است که می‌توان پاسخ‌های غیرمجاز و تکرارپذیر را استخراج کرد



شکل ۳: فرایند جریان شکل‌گیری اطلاعات در مصاحبه ساختار یافته (Pawson, 1996, p.297).

۱. Inspire
۲. Validate
۳. Falsify
۴. Modify

است، در واقع برای ساخت، تأیید یا مهم‌تر از همه اصلاح تئوری، این نوع از مصاحبه به کار گرفته می‌شود. شکل شماره (۵) رویکرد تئوریک است که در این نوع مصاحبه توسط پائوسون پیشنهاد شده است تا مدیریت جریان اطلاعات بین محقق و شرکت‌کنندگان در مطالعه را به‌عنوان یک استراتژی روش‌شناختی مهم برای بررسی مدل‌های تئوریک و با اتخاذ سؤالات رئالیستی پی‌ریزی نماید.



شکل ۵: فرایند جریان شکل‌گیری اطلاعات در مصاحبه تئوری محور (Pawson, 1996, p.304).

مصاحبه‌های رئالیستی، مصاحبه‌ها تئوری‌محور هستند؛ به این معنا که تئوری باید به‌طور صریح و منظم در کل فرایند مصاحبه مورد گفتگو قرار گیرد و همچنین نقش خبرگی (دانش تئوریک متناسب با موضوع) مصاحبه‌کننده به صورت فعال در جریان مصاحبه حفظ شود (Pawson, 1996, p. 299-301)، (Maxwell, 2012, p.103)؛ (Manzano, 2016, p.9)؛ (Pawson and Tilley, 1997, p.164) و (RAMESSES_II, 2017). با پیشبرد تئوری، می‌توان درک بهتری از تقسیم تخصص در مصاحبه، بین محقق و خبره (مطلع کلیدی) به دست آوریم، استفاده از دانش سوژه در تبیین‌های جامعه‌شناختی از طریق انجام مصاحبه‌ها نیازمند وجود ایضاح مفهومی مناسب در وهله اول و سپس پرداخت لازم (انتزاع مفهومی در سطح دانش فنی) است.

فرضیه‌های اولیه‌ای که محققان فرموله و بررسی کرده‌اند، نظرات خود را بیان کنند (Mukumbang et al, 2019, p. 3).

اگرچه بیشتر محققان کیفی نیز از نظریه در برنامه‌ریزی و ارزیابی مصاحبه‌های خود استفاده می‌کنند، اما پائوسون پیشنهاد می‌کند که این تئوری باید صریح‌تر و منظم‌تر مورد استفاده قرار گیرد (Maxwell, 2012, p.103). مردم همیشه از دلایل رفتار خود آگاه هستند، اما هرگز نمی‌توانند آگاهی کامل از کل مجموعه شرایط ساختاری منجر به یک اقدام و نه مجموعه کامل عواقب آن داشته باشند. بنابراین در راستای تلاش برای ساخت تبیینی برای الگویی از فعالیت‌های اجتماعی، محقق رئالیست سعی دارد تا در الگویی وسیع‌تر از علل و پیامدهای آنها، فهم‌هایی را ارائه دهد که شامل فرضیاتی در مورد دلایل افراد باشد (Pawson, 1996, p.302) و (Pawson and Tilley, 1997, p.162-163). پائوسون در کنار این معادلات به مصالحه پلورالیستی در استفاده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به خصوص به فرصتی که به پاسخگویان برای توضیح در مورد پاسخ‌های انتخابی ثابت خود ارائه می‌دهند؛ التفات دارد، لکن وی سعی دارد که با دفاع از موضع «تئوری‌محور بودن مصاحبه»، به دنبال موقعیتی فراتر از رویکرد فازی مرکب از رویکردهای ساختاریافته و ساختارنیافته باشد و در نتیجه بیش از ایجاد یک مجموعه داده جامع و چندجانبه عمل نماید. وی با ارجاع به نظریات مرتون و میلز در باب نظریه‌های جامعه‌شناسی به دنبال سنتزی واقعی است که نقش نظریه‌پردازی را در طراحی مصاحبه پررنگ می‌کند، از این‌رو با تشریح جریان شکل‌گیری اطلاعات در دو نوع مصاحبه ساختاریافته و ساختارنیافته، تصریح دارد که علی‌رغم تمایزاتی که در نحوه شکل‌گیری این جریان‌ها وجود دارد؛ در هر دو نوع مصاحبه موضوع مورد تحقیق و کشف ایده افراد مصاحبه یکی است.

به عبارتی دیگر در دو نوع مصاحبه ذکر شده، هدف درک جهان‌بینی و تجربیات مخاطب است و مصاحبه وظیفه خود می‌داند که مطابق با روش مطلوب، اطلاعاتی را که راجع به افکار و اعمال پیش‌فرض، گردآوری نماید. در مصاحبه‌های تئوری‌محور، استخراج صرفاً روایت مصاحبه‌شوندگان و آگاهی از افکار آنها، مد نظر نیست بلکه «نظریه محقق» موضوع مصاحبه

تحقیق دارد و چگونگی برقراری ارتباط محقق با واقعیت بیرونی را در یک رویکرد رئالیستی شرح می‌دهد. روش اجرا بدین صورت است مبتنی بر پیش‌فرض حاکم بر مصاحبه رئالیستی، روند تحقیق معمولاً با نظریه‌پردازی آغاز می‌شود، سپس نظریه‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرند.

نظریه‌ها در یک فرایند تکراری در این تعامل تصحیح می‌شوند. در این فرایند، درک ما از دنیای واقعی نیز تصحیح می‌شود. ایده اصلی این است که مصاحبه در یک گفتگو مابین طرفین تکامل می‌یابد، و از این طریق پیچیدگی‌های تئوریک راهبری شود (Pawson, and Tilley 2004: 12); (Manzano, 2016, p 5); (RAMESSES_II, 2017); (Kvale, 1996, p. 33). این عملکرد فرصتی را در اختیار محقق و مخاطبش قرار می‌دهد تا ایده‌های نظری خود مبتنی بر جمع‌آوری شواهد را به صورت شفاف و روشن تبیین نماید و یادگیرنده، درک درستی از ساختار مفهومی تحقیق به دست آورد که مبتنی بر آن بتواند سؤالات مناسبی را در زمان انجام مصاحبه طرح نماید (Mukumbang et al, 2019: 7); (Pawson, and Tilley 1997: 167).

۳. عملکرد تمرکز مفهومی

عملکرد تمرکز مفهومی مرحله‌ای دیگر از فرایندی تبیین است که در آن گردآوری اطلاعات مصاحبه‌شونده‌ها به سبب دسترسی ممتاز و نحوه استدلال آنها به خصوص راجع به داده‌های مکانیسمی (مخالفت، موافقت، طبقه‌بندی در رابطه الگوی نگرشی ارائه شده، بحث مبانی مفهومی و...) و در مسیر اصلاح نظریه و تطبیق الگو با واقعیت تحقیق‌یافته بیرونی در جهت کسب دانش متقابل بین محقق و مطلع کلیدی، بسیار حائز اهمیت است. عملکرد تمرکز مفهومی، تجربه مطلع کلیدی در فرایند ارزیابی موضوع مورد تبیین را مورد ملاحظه قرار می‌دهد و از گذر مقایسه این تجربه با الگوی اکتشافی و ترسیم شده از سوی محقق به سمت سنتزی حرکت می‌کند که احصای مناسب‌تری از واقعیت موضوع صورت پذیرد (Pawson, 1996, p. 303-304).

در طی این مرحله داده‌ها، شواهدی برای پدیده‌ها و فرایندهای

۲. چرخه آموزش-یادگیری^۱ عملکردی برای حفظ جنبه رئالیسم با توجه به موضوعیت کشف مکانیسم‌ها و ارتباط عناصر زمینه و پیامد در مصاحبه‌های تئوری‌محور و تفاوت‌هایی که این نوع مصاحبه از انواع سنتی مصاحبه‌ها دارد، چگونگی اطمینان از ربط وثیق مدل مکانیسمی پیشنهادی از سوی محقق و فهم مصاحبه‌شوندگان از پدیده مورد تبیین از حیث عینیت خارجی، دغدغه‌ای مهم و جدی برای پائوسون بوده است. از نظر وی شیوه‌های اجرایی مصاحبه‌های سنتی همیشه و الزاماً اجازه نمی‌دهد که داده‌های مناسب برای این منظور ساخته شوند. از آنجا که در مصاحبه‌واقع‌گرای تئوری‌محور، هدف نه به حداقل رساندن پاسخ (مانند رویکرد مصاحبه ساختاریافته) و نه غلتیدن در پاسخ‌ها (مشابه آنچه در مصاحبه‌های بدون ساختار اتفاق می‌افتد)، بلکه جهت دادن به مصاحبه با محوریت تئوری تبیینی پیشنهادی محقق است؛ لذا پیشنهاد پائوسون برای رفع این نقیصه، ایفای نقش فعال محقق/ مصاحبه‌کننده در آموزش این ساختار مفهومی به سوژه، توجه بیشتر به بخش‌های تبیینی، روایت‌های مقطعی و پیونده‌دهنده به جریان اطلاعات و دنبال کردن پاسخ‌ها و بررسی مجدد سؤالات به معنای آمادگی محقق در مواجهه با بازخوردهای مصاحبه‌شونده از آنچه محقق آموزش داده و ممکن است که باعث چالش وی شده باشد.

این فرایند شامل طی مراحل در مصاحبه تئوری‌محور است که از سوی پائوسون عملکرد «چرخه آموزش-یادگیری» و عملکرد «تمرکز مفهومی»^۲ نام گرفته است (Pawson, 1996, p. 303-307). پاسخ مصاحبه‌های رایج بیشتر بر تکیه بر دقت و جمله بندی سؤال و وضوح آن در تعاریف عملیاتی است، حال آنکه صرف تعریف عملیاتی مناسب با توجه به ساختار پیچیده و عمیق تئوری، کفایت نمی‌کند. عملکرد «آموزش-یادگیری» به دنبال دستیابی به داده‌های به‌جا و مناسب در مصاحبه است. ضرورت این عملکرد درست جایی است که به دنبال این هستیم که از شکل‌گیری فهم مشترکی از عناصر نظری و تمایزات مفهومی ما بین محقق و سوژه مورد مصاحبه اطمینان حاصل نماییم. این چرخه در واقع اشاره به نحوه ورود و خروج محقق از موضوع

1. Teaching-Learning cycle

2. Conceptual focussing

۴. نحوه ورود به مصاحبه و طراحی سؤالات

از آنجا که موضوع این نوع مصاحبه‌ها عمدتاً ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی هستند، از نگاه پائسون و تیلی، اثربخشی یک برنامه خاص در نهایت به طیف وسیعی از عوامل زمینه‌ای مانند شرایط اداری، فرهنگ ارائه‌دهندگان خدمات، منابع مالی، خصوصیات و انگیزه‌های شرکت‌کنندگان، زیرساخت‌ها، رویدادهای تاریخی و غیره بستگی دارد. برنامه‌های پیشنهادی با به‌کارگیری منابع و فرصت‌های جدید در سیستم‌های اجتماعی موجود، مکانیسم‌های جایگزین را ایجاد می‌نماید تا از این طریق، مکانیسم‌هایی را که مسئولیت ایجاد مشکلات اجتماعی پایدار مانند بیکاری، ضرر تحصیلی، جرم، فقر و غیره را دارد، حذف یا تعدیل نماید (Astbury, 2011, p.28). لذا محقق در گام نخست با این پیش‌فرض که برنامه یا سیاست اجرایی ذاتاً تئوری هستند، آنها را به شکل الگوهای تئوریک جهت ارزیابی ارائه می‌دهد، شروع مصاحبه با سؤالات کلی و عمدتاً اکتشافی و مبتنی بر تئوری پیشنهادی است که به کاوش دانش و تجربه مصاحبه‌شوندگان در مورد پدیده مورد مطالعه (برنامه، سیاست) و ترسیم گزاره‌های عمومی تحقیق می‌پردازد (شکل شماره ۶). ورود به مصاحبه می‌تواند با پرسش‌های ساختاری باشد تا به پاسخگو فرصت لازم جهت توضیح پاسخ‌های اولیه خود داده شود (Manzano, 2016, p. 11).

مشابه رویکرد مصاحبه باز، سؤالات بعدی پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان را دنبال می‌کند و از آنها می‌خواهد که روایت خود را در مورد تجربیات خاص یا مسائل مربوط به برنامه مانند نحوه مشارکت‌کنندگان، نحوه مشارکت، محدودیت‌ها و... بیان کنند. تفاوتی که در نوع سؤالات طراحی شده وجود دارد این است که رئالیست‌های انتقادی به دنبال استفاده از مصاحبه‌ها و سایر روش‌های تحقیق اجتماعی هستند تا هم از تفسیر خبرگان و مطلعین کلیدی آگاهی داشته باشند و هم زمینه‌های اجتماعی، محدودیت‌ها و منابعی را که آنها در آن فعالیت می‌کنند، تحلیل کنند (Smith and Elger, 2012, p.6). از این‌رو تفاوت بین سؤالات در مدل‌های مصاحبه از نظر پائسون از حیث تفاوت در حوزه‌های «واقعی و نگرشی» یا بین حوزه‌های «نهادی و عاطفی» است

واقعی به شمار می‌روند و برای ایجاد استنتاج در مورد این فرایندها مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این بین محقق واقع‌گرایانه می‌کوشد تا بفهمد که چگونه هر قطعه از شواهد به تفسیرها و توضیحات آنها کمک می‌کند و چگونه ایده‌های آنها در داخل و بین این قطعات مورد آزمون و در نهایت تصفیه می‌شود (see: RAMESSES_II, 2017). تمرکز مفهومی وقتی اتفاق می‌افتد که به پاسخ‌دهندگان امکان داده می‌شود دیدگاه‌های خود را براساس تفکر و فرایند تصمیم‌گیری در زمینه نظریه خود مصاحبه‌کننده بیان کنند. اگرچه اطلاعات بیشتر در مورد سازوکارهای تئوری برنامه مربوط به نحوه تصمیم‌گیری در مورد پاسخ‌دهندگان و تصمیم‌گیری در رابطه با آن است می‌توان از عملکرد تمرکز مفهومی مصاحبه واقع‌گرایانه برای به دست آوردن پاسخ‌های مربوط به (زمینه، مکانیسم، نتایج) که به اختصار (CMO) نامیده می‌شود استفاده کرد، (Mukumbang et al, 2019: 7, 22). استدلال‌هایی که در این عملکرد صورت می‌گیرد می‌تواند با بیان بازتر و منعطف‌تر بیان شود تا محقق را برای کمک به مخاطب در ارزیابی جنبه‌های مختلف و لایه‌های متمایز فرایندهای اجتماعی که محقق در پی فهم آن است و همچنین استفاده حداکثری از توان خبرگی پاسخگو در شفافیت و روشن شدن پیچیدگی این ارزیابی یاری نماید (Smith and Elger, 2012, p.14).

این تکنیک در مصاحبه رئالیستی به دنبال ایجاد موقعیتی متمرکز است-بدین معنا که به مخاطب اجازه می‌دهد در وضعیتی که فرضیه‌های نظری/ساختارهای مفهومی، تحت بررسی به روشی باز هستند فرصتی داده شود که از آنها آگاه‌های انتقادی بسازد (Pawson, 1996, p. 313). علاوه بر این، محققین واقع‌گرا از استدلال ربایشی نیز بهره می‌برند. استدلال ربایشی در اصل توسط چارلز پیرس ابداع شده است، این ابزار در شکل‌گیری و ارزیابی فرضیات تبیینی، بسیار مفید است (Thagard and Shelley, 1997). ربایش معمولاً با مجموعه‌ای ناقص از مشاهدات آغاز می‌شود و به محتمل‌ترین تبیین‌های ممکن برای مجموعه ادامه می‌یابد (Mukumbang et al, 2019, p. 7) و فرایندی است که در آن داده‌های تجربی با استفاده از مفاهیم نظری توصیف دوباره می‌شوند (Fletcher, 2017, p. 188).

«توازن» یا رسیدن به «اجماع» باید دیدگاه‌های مختلفی را دنبال کرد، به طور خاص، انتخاب پاسخ‌دهنده باید براساس پتانسیل تحقیق الگوی (CMO) آنها باشد. در واقع آنچه ملاک و معیار نمونه‌گیری از افراد است این است که چه کسی می‌تواند در مورد زمینه، مکانیسم‌ها و نتایج به محقق اطلاعات لازم را ارائه بدهد. انتخاب مصاحبه‌شونده بالقوه باید براساس مشارکت آنها در روشن شدن تئوری برنامه باشد بدین صورت که دسترسی ممتاز آنها به داده‌های مورد نیاز برای ترسیم الگوی "CMO" ملاک گزینش این افراد باشد (Mukumbang et al, 2019: 7, Manzano, 2016, p. 6, Pawson, 1996, p. 306).

اگر تئوری برنامه نشان دهد که برنامه برای گروه‌های فرعی خاص یا مجموعه خاصی از شرایط متفاوت عمل خواهد کرد، مهم است که اطمینان حاصل شود که آن زیر گروه‌ها یا زمینه‌ها در نمونه نمایش داده می‌شوند. همچنین این اطمینان از توان ارزیاب در تشخیص و ارائه اطلاعات ارتباطی مابین هرکدام از مجموعه‌ها داده با زیرگروه‌ها و زمینه‌ها بسیار مهم است، و بدون آن، تحلیل واقع‌گرایانه غیرممکن است (see: RAMESES_II, 2017). همچنین باید در نظر داشت پاسخ‌دهندگان مختلف ممکن است در مؤلفه‌های مختلف نقش داشته باشند و لزوماً برای کل الگو نیازی به مصاحبه با آنها نباشد (Manzano, 2016, p. 350).

۷. معیار کفایت در گردآوری داده در مصاحبه‌های تئوری محور
داده‌ها شواهدی برای پدیده‌ها و فرایندهای واقعی به شمار می‌آیند (Maxwell, 2012, p. 103, Sayer, 1992). یکی دیگر از تفاوت‌های مصاحبه‌های تئوری محور با سایر مصاحبه‌های کیفی در معیار کفایت در گردآوری داده است. برخلاف منطق اشباع به‌عنوان معیار کفایت در تحقیقات کیفی، در مصاحبه‌های تئوری محور فرضیه‌ها با استفاده از اشباع در مصاحبه‌ها تأیید یا رها نمی‌شوند، بلکه با استفاده از ظرفیت استراتژی چندگانه روشی و با به‌کارگیری انواع مختلفی از داده‌ها این کفایت به دست می‌آید (Manzano, 2016, p. 6, Pawson, 2013). استفاده از این ظرفیت در مصاحبه‌های تئوری محور در مراحل جمع‌آوری داده، تجزیه و تحلیل و همچنین آزمون تطبیق تئوری یا مدل

(Pawson, 1996, p. 303-304). هر یک از این سؤالات چیزی را راجع به تئوری برنامه مورد آزمون قرار می‌دهد. سپس عناصر خاص تئوری برنامه به صراحت با مخاطب جهت ارزیابی معرفی می‌شود. در طرح این سؤالات سعی خواهد شد که نسبت به چگونگی تحقق یک پدیده در زمینه‌های متفاوت آگاهی بیشتری کسب شود، در فرایند تعامل با مطلع کلیدی سؤالات تکامل می‌یابد و در جهت تنظیمات متناسب با پالایش الگوی زمینه، مکانیسم، نتیجه (CMO) تکامل یابند (see: RAMESES_II, 2017).

۵. نقش محقق در فرایند مصاحبه

یکی دیگر از وجوه اختلاف بین انواع مصاحبه‌های کیفی و مصاحبه تئوری محور در ایفای نقش محقق در فرایند مصاحبه است. محقق مصاحبه‌کننده با داشتن جایگاه یک متخصص می‌بایست نقش فعال و صریحی در آموزش ساختار مفهومی کلی تحقیق به سوژه (مصاحبه‌شونده) بازی نماید. مصاحبه تئوری محور به توصیف مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده به‌عنوان دارندگان انواع مختلف تخصص وابسته است، که چگونگی مذاکره تعامل ارتباطی آنها را بهم می‌رساند (Smith and Elger, 2012, p. 6). بنابراین خنثی بودن و تظاهر تعمدی در ساده‌لوحی و پنهان کردن دانش ضمنی و فنی برای جلوگیری از سوگیری و هدایت مصاحبه، تمرکز غالب بر شنوندگی خوب در جریان مصاحبه، کنترل بی‌طرفی طرح سؤال (Fielding and Sapsford and Abbott, 1992: 129)؛ (Thomas, 2001: 112)؛ (Holstein and Gubrium, 1997: 116) و تلاش برای ایجاد یک محیط طبیعی در گفتگو از جمله موارد تفاوت در این زمینه است (Dahler-Larsen, 2011).

۶. منطق نمونه‌گیری در مصاحبه

در مصاحبه واقع‌گرایانه نمونه‌گیری مبتنی بر فرایند تحقق تئوری است. یعنی پاسخ‌دهندگان به این دلیل انتخاب می‌شوند که می‌توانند یک فرضیه یا جنبه خاصی از تئوری مستخرج از برنامه را روشن کنند. به این دلیل که دیدگاه‌های مختلف برای بررسی الگوها و کشف نتایج ناخواسته مورد نیاز است، برای تضمین

افراد، بهتر است تعداد نسبتاً کمی از شرکت‌کنندگان با دانش دقیق درباره برنامه چندین بار مصاحبه شوند تا به‌طور کامل تئوری‌های اولیه برنامه را مورد آزمون و اصلاح قرار دهند. قرار گرفتن در میدان تحقیق، و مبنای قرار گرفتن، نیاز به واریانس حداکثری برای آزمون فرضیات تئوریک در موقعیت‌ها و زمینه‌ها و گروه‌های مختلف از جمله موارد مؤثر در حجم نمونه است. (Weiss, 1998, p. 164)؛ (see: RAMESES_II, 2017)؛ (Manzano, 2016, p. 7-8)

۸. قواعد‌گذاری مصاحبه‌های تئوری‌محور

تحلیل مصاحبه‌ها براساس مؤلفه‌های «متن-مکانیسم-نتیجه» (CMO) می‌تواند به‌عنوان قاعده‌گذاری در تحلیل مصاحبه به خصوص در مرحله کشف و یا اصلاح نظریه به‌کار گرفته شود. به عبارتی محقق در انجام مصاحبه مفاهیم حاصل از تحلیل گفتگو با مصاحبه‌شونده را براساس این منطق طبقه‌بندی و کدگذاری می‌نماید تا از این طریق بتواند رابطه علی را بین زمینه، مکانیسم و پیامد مورد بررسی را ترسیم نماید. (Pawson, 1996, Manzano, 2019)؛ (Mukumbang et al, 2016).

ظهور، تصفیه و پالایش نظریه در مصاحبه رئالیستی

پاستفاده از مصاحبه کیفی برای تئوری‌سازی (از جمله پیشنهاد و آزمون فرضیه‌ها) در ادبیات روش‌شناختی با چالش‌های زیادی مواجه بوده است (Bendassolli, 2013, p. 2-3)، با وجود این، ماهیت بدون جانبدارانه تحقیقات رئالیستی امکان استفاده از مصاحبه کیفی (به‌عنوان بخشی یا به‌عنوان روش منحصر به فرد) برای تئوری‌سازی را مهیا می‌کند.

پیشنهادی با واقعیت صورت می‌پذیرد (Kazi and Spurling, 2000)؛ (Manzano, 2016, p. 4) و (Astbury, 2011, p. 27). البته می‌بایست انتخاب این روش‌ها با فرضیه‌های مطرح شده متناسب باشند (Salter and Kothari, 2014). این روش‌ها می‌تواند برای شناسایی و طبقه‌بندی الگوهای متناسب به متن، سازوکارها و نتیجه استفاده شود، به‌عنوان مثال از روش‌های کیفی غالباً برای کشف ویژگی‌های متن، مکانیسم و نتایج استفاده می‌شود (Mukumbang et al, 2019: 6). یک نظریه نه‌تنها در مصاحبه/های) بعدی، بلکه در حین جستجوی وسایل و مدارک در منابع دیگر، پالایش، تصفیه یا ادغام می‌شود (Pawson and Tilley, 1997, p. 167). این داده‌ها باید برای ایجاد استنتاج در مورد چنین پدیده‌ها و فرایندهای مورد استفاده قرار بگیرند، بنابراین بررسی مجدد آنها در برابر داده‌های اضافی/ جایگزین باید جزئی ذاتی از روش تحقیق باشد (Maxwell, 2012, p. 103). در مراحل طراحی پروژه‌های ارزیابی واقع‌گرایانه، تعیین تعداد مشخص مصاحبه‌های مورد نیاز می‌تواند دشوار باشد و در وهله نخست غالباً تقریبی است؛ زیرا روند واقع‌گرایانه آزمون تئوری غیرقابل پیش‌بینی، ناپایدار و نامشخص است (Manzano, 2016, p. 7).

به‌عنوان مثال محقق در ارزیابی تئوری برنامه‌ها در حین مصاحبه و گفتگو با مجریان، سیاست‌گذاران، ذینفعان و... از موفقیت برنامه‌ها و موانع آنها آگاه می‌شود، در این مرحله است که نظریه‌ها شکل محکم‌تری می‌گیرند و می‌توان نمونه مصاحبه قطعی‌تری تهیه کرد. نکته‌ای که در این بین قابل ذکر است این است که با توجه به اینکه واحد تحلیل شخص نیست، بلکه وقایع و فرایندهای پیرامون آنهاست، لزوماً انجام مصاحبه‌های بیشتر نمی‌تواند مفید باشد، بلکه به جای مصاحبه با تعداد بسیاری از

شکل ۶. فرایند مدیریت اطلاعات در یک مصاحبه رئالیستی (Mukumbang et al, 2019: 23) مصاحبه جمع‌آوری نظریه

سوالات اکتشافی/ تبیینی برای شناسایی و پیوند چگونگی مداخله، کنشگر، زمینه مرتبط، مکانیسم مولد و نتایج در نظر گرفته شده/ مشاهده شده



مفهوم‌سازی از زمینه، مکانیسم و نتایج به دست آمده از مصاحبه اکتشافی/ تبیینی از طریق پس‌کاوی شکل گرفته از ترسیم مدل CMO. ارائه شده به‌عنوان یک تئوری اولیه

نظریه اولیه محقق که با استفاده از فرضیات فرمول‌بندی شده است

مصاحبه اصلاح نظریه

نظریه محقق موضوع مصاحبه است، این فرایند عمدتاً شامل عملکرد چرخه آموزش- یادگیری و برخی از جنبه‌های تمرکز مفهومی است.

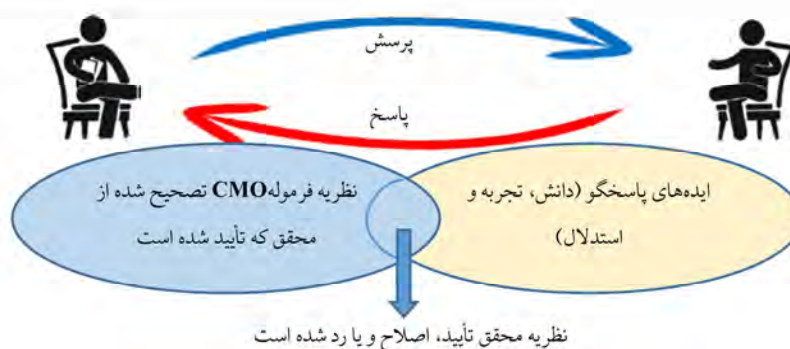


تجزیه و تحلیل مستلزم بررسی نظریه محقق با توجه به ایده‌های مخاطب برای اعتبار سنجی، رد یا اصلاح نظریه اولیه است

نظریه اصلاح شده (شناسایی و تأیید شکاف در وقایع قطعی)

مصاحبه تأیید تئوری

روند تنظیم دقیق نظریه‌ها می‌تواند شامل تکرار مصاحبه با برخی از شرکت‌کنندگان اصلی جهت تحقیق، تأیید یا دریافت توضیحات در مورد جنبه‌هایی از تئوری باشد.



(Rubin and Mukumbang et al, 2019: 18-22)؛ (Rubin and Rubin, 1995, P. 70). ردیابی فرایند نیز از دیگر تکنیک‌های مورد استفاده در هدایت تئوریک مسیر مصاحبه است. توانایی ردیابی فرایندها مستلزم آن است که محقق نقش مؤثری در هدایت سؤال و حفظ گفتگو در مورد موضوع خاص مورد ارزیابی داشته باشد (Manzano, Linnan and Steckler, 2002)؛ (Manzano, 2016, p. 10). ارزیابان با تجربه می‌توانند از طریق مراحل ۱ و ۲ در همان مصاحبه پیشرفت کنند. یا مرحله سوم را می‌توان با نوع دیگری از جمع‌آوری داده‌ها مانند مشاهدات یا انواع داده‌های دیگر تحکیم کرد (Manzano, 2016, p. 16).

چالش‌ها و محدودیت‌های مصاحبه واقع‌گرا

برخی از چالش‌های موجود در مصاحبه واقع‌گرا و مراحل اجرایی علاوه بر مشکلات مشترکی که در سایر مصاحبه‌ها ممکن است بروز نماید عبارت است از: تشخیص و تحلیل تمایز بین (زمینه، مکانیسم و نتایج) با توجه به در دسترس بودن اشکال مختلف داده‌ها و تعامل نزدیکی که این مؤلفه‌ها با همدیگر دارند، قدرت محقق در ارائه مناسب و روشن مفاهیم نظریه پیشنهادی، تأثیرگذاری محقق در فرایند مصاحبه به خصوص هدایت تحقیق و احتمال تبعیت منفعلانه مصاحبه‌شوندگان در مراحل مصاحبه و در آخر مسائل سیاسی و مالی حاکم بر این نوع تحقیقات به ویژه حواشی ناظر به ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی، (Manzano, 2016, p. 4-6)؛ (Pawson and Tilley 1997, p. 167).

یکی از ایده‌های مناسب به منظور کاهش احتمال هدایت کامل مصاحبه توسط محقق این است که تئوری‌های متعدد و حتی متناقض، راجع به همان جنبه‌های مطرح‌شده از تئوری ارائه شده، با همان مخاطب مورد آزمون قرار گیرد. در قرار گرفتن فرصتی برای پاسخگویان جهت استفاده از تکنیک‌هایی مانند شرطی‌های خلاف واقع و امکان اظهار نظرهای متضاد برای تقویت قضاوت‌ها در مورد قدرت تبیین تئوری‌ها ارائه شده از جمله راه‌حل‌های پیشنهادی دیگر برای کاستن از این چالش‌هاست (Mukumbang et al, 2019, p. 18-22)؛ (Rubin and Rubin, 1995, p. 70).

پاوسون (۱۹۹۶) در این باره نه تنها اظهار داشته که مصاحبه کیفی می‌تواند یک روش مهم برای به دست آوردن اطلاعات از پاسخ‌دهندگان مختلف وفادار به افکار و اعمال آنها باشد، بلکه می‌تواند یک رویکرد ارزشمند برای تولید، اعتبار، رد و اصلاح در مطالعات واقع‌بینانه باشد (Mukumbang et al, 2019: 6). مصاحبه رئالیستی همان‌طور که در شکل شماره (۶) نشان داده شده است، در یک فرایند تئوری‌سازی (ظهور، اصلاح و تلفیق) ضمن حفظ و تقویت آگاهی نظری در روند پژوهش، برای محقق در این مسیر اعتماد به نفس لازم را در ارائه تبیین به همراه می‌آورد. در این روند نظریه‌ها ظهور (مرحله ۱) پیدا می‌کنند، اصلاح می‌شوند (مرحله ۲) و سرانجام تلفیق می‌شوند (مرحله ۳). گاه این سه مرحله در همان ارزیابی - یا همان مصاحبه اتفاق می‌افتد - اما به دلیل محدودیت‌ها، ممکن است برخی از ارزیابی‌ها یا مصاحبه‌ها مجبور شوند در نظریه یا مراحل اولیه پالایش متوقف شوند. اما اگر در مرحله ارائه نظریه پایه و اولیه محقق دقت و توان بیشتری مصروف سازد، فرایند سه‌گانه می‌تواند از پالایش نظریه شروع و به مرحله تلفیق منتقل شود. در این میان علاوه بر مصاحبه‌هایی که در این فرایند سه‌گانه مورد استفاده قرار می‌گیرد استفاده از سایر روش‌ها نیز مانند بررسی اسنادی و مشاهدات سیستماتیک و همچنین تکنیک مثلث‌بندی، در دستیابی به یک تئوری مناسب حائز اهمیت است (Manzano, 2016, p. 13)؛ (Mukumbang et al, 2019: 7, 14).

در مرحله تلفیق دو هدف پیگیری می‌شود، نخست بررسی قوت و ضعف در حمایت از تئوری مورد آزمون و دوم بررسی چگونگی تبیین کیفیت تأثیر (چرا، چگونه و شرایط تأثیر) تئوری‌های پیشنهادی. این مرحله می‌تواند با تکرار مصاحبه‌ها با برخی از افراد کلیدی جهت دریافت توضیحات بیشتر نسبت به ابهامات برخی از جنبه‌های تئوری در فرایند تحقیق همراه باشد که غالباً ناشی از شناسایی شکاف و یا گسست مفهومی در هنگام تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط محققان است که نیاز به وضوح بیشتری دارند. یکی از تکنیک‌های به‌کار گرفته شده در این مرحله، استفاده از شرطی‌های خلاف واقع و امکان اظهار نظرهای متضاد برای تقویت قضاوت‌ها در مورد قدرت تبیین تئوری‌ها ارائه شده است

نتیجه‌گیری

مصاحبه واقع‌گرا با رویکردی تئوری محور، با ابتدای بر راهبرد تحقیق پس‌کاوی، سعی در ارائه ابزاری مناسب به پژوهشگران علوم اجتماعی جهت ارزیابی مدل‌های تبیین پس‌کاو است. هرچند که در این نوع مصاحبه از ظرفیت هر دو نوع مصاحبه رایج (ساختاریافته و بدون ساختار) در مراحل مختلف اجرا استفاده می‌شود، اما نباید این تشابه اجرایی، باعث شود تئوری محقق به‌عنوان ایده و موضوع اصلی این نوع مصاحبه در نسبت با سایر انواع مصاحبه، نادیده گرفته شود. پیگیری تئوری محقق پررنگ‌کننده خطوط تمایزات این مصاحبه با سایر مصاحبه‌هایی است که غالباً کشف و فهم ایده‌های مصاحبه‌شونده در آن محوریت دارد. به نظر می‌رسد موضوع عینیت به خصوص اثبات وجود مکانیسم‌های موجد پدیده از جمله چالش‌های اساسی در تحقق این ایده، باشد.

به عبارتی دیگر، آنچه در این نوع مصاحبه اهمیت مضاعف دارد این است که تئوری محقق چقدر ناظر بر کشف واقع باشد و با واقعیت بیرونی همخوانی و همسازی داشته باشد و بالتبع آن، مصاحبه‌ای که عهده‌دار این موضوع است، چقدر بتواند این مهم را تحصیل نماید. پائسون به‌عنوان نظریه‌پرداز این نوع مصاحبه با پیش‌فرض معرفت‌شناختی پذیرش امکان دستیابی تقریبی به واقعیت، سعی نموده است با تعبیه الزاماتی مانند تخصص و خبرگی برای محقق در موضوع مورد تحقیق، رجوع به واقعیت‌های میدانی در همه مراحل تحقیق، اجرای عملکردهای آموزش-یادگیری و تمرکز مفهومی و همچنین استفاده از تکنیک‌هایی مانند مثلث‌بندی و ارزیابی خبرگانی (چیزی شیه بررسی هم‌تایان در روش‌های کیفی) دغدغه‌های اعتباربخشی به

چنین مصاحبه‌ای را تا حد ممکن کاهش دهد.

پیچیدگی تبیین مکانیسمی، هزینه و زمان تحقیق و مسائل سیاسی حاکم بر موضوع در تحقیقات ارزیابی از جمله چالش‌های دیگر در این نوع راهبرد است. نگارنده پیشنهاد می‌کند با توجه به اهمیت دانش ارزیابی و اهمیت آشنایی جامعه علمی کشور با ادبیات فنی مناسب درباره این نوع مصاحبه، مراکز دانشگاهی و همچنین بخش‌های تحقیق و توسعه مراکز پژوهشی ذیربط، پروژه‌های تحقیقاتی لازم در این زمینه را در دستور کار خود قرار دهند.

منابع

1. بلیکی، نورمن (۱۳۹۶)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
2. چلبی، مسعود (۱۳۷۴)، «رئالیسم روش‌شناختی در علوم اجتماعی»، پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۷، ص ۴۹-۷۰.
3. سایر، آندرو (۱۳۸۸)، روش در علوم اجتماعی: رویکردی رئالیستی، ترجمه عماد افروغ، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
4. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، «مکانیسم‌ها و جامعه‌شناسی (نقش و اهمیت مکانیسم‌ها در تبیین پدیده‌های اجتماعی)»، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۶۱، ص ۶۳-۱۰۳.
5. لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم الاجتماع، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
6. محمدپور، احمد (۱۳۹۸)، روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم اجتماعی، قم: نشر لوگوس.
7. Astbury, PH (2011), *The Practice of Realistic Evaluation: A Conceptual and Empirical Review*, Master of Assessment and Evaluation in the Melbourne Graduate School of Education at the University of Melbourne.
8. Bendassolli PF (2013), "Theory building in qualitative research: reconsidering the problem of induction". , *Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research*, 14(1).
9. Bhaskar R., (1975), "Forms of realism. ", *Philosophica*, 15(1): 99-127.
10. Bhaskar, R (1975), *A realist theory of science*. Sussex: Harvester Press.
11. Bhaskar, R (1979), *The possibility of naturalism: A philosophical critique of the contemporary human sciences*. Brighton: Harvester Press.
12. Bhaskar, R. (1986), *Scientific Realism and Human Emancipation*, Thetford, Norfolk, UK, The Thetford Press.
13. Cruickshank, J., (2012), "Positioning positivism, critical realism and social constructionism in the health sciences: a philosophical orientation", *Nursing Inquiry*, 19(1): 71-82.
14. Dahler-Larsen, P (2011), *The evaluation society*, Stanford, CA., Stanford University Press.
15. Elder-Vass, D., (2010), *The Causal Power of Social Structure*, Cambridge; : Cambridge University Press.
16. Fielding, N& Thomas, H (2001), *Qualitative interviewing*. In: GILBERT, N. (ed.), *Researching social life*. London: Sage.
17. Fletcher, A, (2017), "Applying critical realism in qualitative research: methodology meets method", *International Journal of Social Research Methodology*, 20(2): 181-194.
18. Fletcher, A., (2017), "Applying critical realism in qualitative research: methodology meets method. ", *International Journal of Social Research Methodology*, 20(2): 181-194.
19. Goldthorpe, J., (2000), *On Sociology: Numbers, Narratives and the Integration of Research and Theory*. , Oxford: Oxford University Press.
20. Hammersley, M (1992), *What is Wrong with Ethnography?*, London, Routledge.
21. Hammersley, M (2008), *Questioning qualitative inquiry: Critical essays*, CA: Sage Publications.
22. Hedstrom, P., and Swedberg, R., (1998), *Social Mechanisms*. , Melbourne: Cambridge University Press.
23. Henry, G., Julnes, G. W., & Mark, M. M. (Eds.) (1998), *Realist evaluation: An emerging theory in support of practice. New directions for evaluation, No. 78*, San Francisco, CA: Jossey-Bass.

37. RAMESES_II (2017) available at: www.ramesesproject.org.
38. Rubin, H.J., and Rubin, I.S., (1995), *Qualitative Interviewing. The Art of Hearing Data*. Thousand Oaks, CA: SAGE.
39. Salter KL and Kothari A (2014), *Using realist evaluation to open the black box of knowledge translation: a state-of-the-art review*, *Implementation Science* 9(1): 1–14. DOI: 10.1186/s13012-014-0115-y.
40. Sapsford, R & Abbott, P (1992), *Research Methods for Nurses and the Caring Professions*, Buckingham, Open University Press.
41. Sayer, A (1992), *Method in Social Science: a Realist Approach.*, London, Routledge.
42. Sayer, A (2000), *Realism and social science*. London: Sage.
43. Smith C., Elger, T., (2012), *Critical Realism and Interviewing Subjects: School of Management*, Royal Holloway University of London Working Paper Series.
44. Sobh, R., and Perry, C., (2006), “Research design and data analysis in realism research. ”, *European Journal of Marketing*, 40(11–12): 1194–1209.
45. Thagard, P., and Shelley, C.,P., (1997), “Abductive reasoning: logic visual thinking, and coherence. ”, in: *Dalla Chiara M-L et al. (eds) Logic and scientific methods.* , Dordrecht: Kluwer, 413–427.
46. Weiss, C.,H., (1998), *Evaluation: Methods for Studying Programs and Policies.* , London: Prentice-Hall.
47. Westhorp, G., (2014), *Realist impact evaluation: an introduction.* , Research and Policy Development.
48. Williams L, Rycroft-Malone J and Burton CR (2017), Bringing critical realism to nursing practice: Roy Bhaskar’s contribution. *Nursing Philosophy* 18(2): e12130. DOI: 10.1111/nup.12130.
49. Wong, G., Westhorp, G., Manzano A., et al. (2016), *RAMESES II reporting standards for realist.*
24. Holstein, J. A. and Gubrium, J. F (1997), *Active Interviewing*, Thousand Oaks, CA: Sage.
25. Kazi MAF and Spurling L.,J., (2000), “Realist evaluation for evidence-based practice. ”, *Paper Presented at the European Evaluation Society’s Fourth Conference*, Lausanne, Switzerland, October 2000.
26. Kvale, S., (1996), *Interviews: An Introduction To Qualitative Research Interviewing.* , Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
27. Linnan L. and Steckler, A., (2002), *Process evaluation for public health interventions and research.* , San Francisco, CA: Jossey-Bass, 1–24.
28. Manzano, A., (2016), “The craft of interviewing in realist evaluation. ”, *Evaluation*, 22(3): 342–360.
29. Maxwell J.,A., (2012), “A Realist Approach to Qualitative Research. ”, *Thousand Oaks, CA: Sage Publication*, 222. DOI: 10.1017/CBO9781107415324.004
30. Maxwell JA (2012), *A Realist Approach to Qualitative Research*. Thousand Oaks, CA: Sage Publication, 222. DOI: 10.1017/CBO9781107415324.004.
31. McEvoy P and Richards D (2006), *A critical realist rationale for using a combination of quantitative and qualitative methods. Journal of Research in Nursing* 11(1): 66–78. DOI: 10.1177 /1744987106060192.
32. McEvoy, P., and Richards, D., (2006), “A critical realist rationale for using a combination of quantitative and qualitative methods. ”, *Journal of Research in Nursing*, 11(1): 66–78.
33. Mukumbang, F.C., Marchal B., Van Belle S., et al. (2019), “Using the realist interview approach to maintain theoretical awareness in realist studies”, *Qualitative Research*, 1-31.
34. O’Connell Davison, J (1994), *Methods: Sex and Madness*, London: Routledge.
35. Pawson, R., (1996), “Theorizing interview”, *The British Journal of Sociology*, Vol. 47, No. 2 (Jun., 1996), pp. 295-314.
36. Pawson, R., and Tilley, N., (1997), *Realistic Evaluation.* , London: Sage Publication.